

# سازوکار پیشگیری از آگهی های جرم را

امیرفرهاد حنیف زادگان

جرم شناس

نکته اول این که بنده تاکنون آماری از وقوع جرایم به تفکیک وسایل مورد استفاده مشاهده نکرده ام. به عنوان مثال مشخص نیست چند درصد از آمار اغفال زنان یا سرقت اموال با استفاده از انتشار آگهی صورت گرفته است، بر همین اساس و با نگاه جرم شناختی نمی توان میزان شیوع و اهمیت جایگاه انتشار آگهی را به عنوان ابزار ارتکاب جرم تعیین کرد اما در پاسخ به این سؤال که چرا برخی مجرمان از ابزاری مانند انتشار آگهی برای ارتکاب اعمال مجرمانه استفاده می کنند، باید به دو نکته توجه داشت:

ابتدا این که هر ابزار و فناوری جدیدی می تواند یک وسیله بالقوه ارتکاب جرم باشد، زیرا اصولاً خلاءهای قانونی، فرهنگی و نیز آسیب های احتمالی آن به مرور زمان مشخص می شود و عموم افراد جامعه نیز دیرتر نسبت به آن آگاهی پیدا می کنند.

دوم، در مواردی شاهدیم که برخی افراد به اطلاعات و آگهی های منتشر شده در فضای مجازی اعتماد کاذب می کنند که این مسئله خطرناک بوده و طبیعی است که مجرمان از این اعتماد کاذب به نفع خود بهره می برند. فراموش نکنیم که اینترنت به سرعت در حال رسوخ به همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان مدرن است و این سرعت به مراتب از سرعت قانون گذاری مناسب و آگاهی اجتماعی لازم پیشتر است.

ممکن است در ذهن برخی افراد این سؤال مطرح شود که آیا مرتکبان جرم احتمال نمی دهند پس از ارتکاب و دستگیری، احکام سنگینی مانند اعدام برای آنان صادر شود. در پاسخ باید گفت بسیاری از مجرمان حرفه ای که مکرر مرتکب جرم خاصی می شوند، افراد محاسبه گری هستند که بر اساس سنجش هزینه و فایده اقدام به ارتکاب جرم می کنند. این افراد برآوردی درست یا غلط از میزان احتمال شناسایی، دستگیری و محکومیت دارند. در عین حال هر بار موفق شدن در ارتکاب جرم بدون گرفتار شدن اولاً جسارت در ارتکاب جرم را افزایش می دهد و ثانیاً احتمال محکومیت را در ذهن آنان کاهش می دهد، بنابراین در برخی موارد مرتکب حتی به مرور احتیاط اولیه را به خرج نمی دهد و چه بسا همین امر موجب شناسایی و محکومیتش می شود.

نکته بعدی درخصوص مسئولیت رسانه ها در انتشار آگهی است. برخی و به خصوص کسانی که درصد یافتن شغل و درآمدزایی هستند این موضوع را مطرح می کنند که رسانه موظف است صحت و سقم آگهی را بررسی و سپس اقدام به انتشار آن کند تا زمینه برای ارتکاب جرم فراهم نشود. از حیث قانونی، مسئولیت رسانه ای که آگهی را منتشر می کند بسیار محدود است، البته مواردی مانند لزوم روشن

بودن هویت فرد آگهی دهنده در قانون تجارت الکترونیکی پیش بینی شده است اما اگر واقع نگر باشیم بررسی آگهی ها برای انتشار عملاً امکان پذیر نیست. به عنوان مثال تعداد آگهی های منتشر شده در سال ۱۴۰۰ فقط در اپلیکیشن دیوار نزدیک به ۱۴۰ میلیون آگهی بوده یعنی بیش از ۳۸۰ هزار آگهی در روز. طبیعی است که بررسی این همه آگهی حتی در صورت امکان چنان کار سنگین و پرهزینه ای است که قابلیت در دسترس بودن انتشار آگهی را منتفی می کند. بنابراین همان طور که گفته شد مسئولیت این رسانه ها بسیار محدود است. همچنین برخی افراد از این مسئله شکایت دارند که نظارت بر محتوای آگهی ها ناچیز است و به همین علت مرتکبان با سوء استفاده از فرصت به دست آمده مرتکب جرم می شوند. ببینید نظارت روی روزنامه ها و وبسایت هایی که با اخذ مجوز فعالیت می کنند، وجود دارد اما لازم است دو موضوع را از هم تفکیک کنیم. انتشار آگهی یا تبلیغات برای کالاها یا اموری که مخالف قوانین باشد، ممنوع و اصل نظارت نیز در این حیطه است. رسانه هایی که به انتشار آگهی دست می زنند نیز اصولاً آگهی ها را از این حیث بررسی می کنند. یعنی محتوای آگهی در ظاهر باید مطابق مقررات باشد، ولی اگر بخواهیم فراتر از این عمل کنیم، به دلایلی که توضیح داده شد، مقدور نیست. به علاوه با توجه به امکانات روز افزون در دسترس، امکان بروز این چالش را فراهم می کند که متقاضیان انتشار آگهی به سمت رسانه های فاقد مجوز سوق داده شوند که همین موضوع ممکن است زمینه را برای بروز جرایم احتمالی فراهم کند. موضوع دیگر، اطلاعاتی است که افراد برای انتشار آگهی باید ثبت کنند تا راستی آزمایی شود. در حال حاضر در اغلب رسانه های اینترنتی شماره تلفن همراه از طریق ارسال کد تأیید می شود. ضمن این که در بسیاری از پرونده های مطروحه، مرتکبان از همین طریق شناسایی و محکوم شده اند. اما معتقدم با اتخاذ تدابیر نظارتی بیشتر به ویژه در خصوص تأیید هویت افراد، می توان دست کم به کاهش آمار چنین جرایمی دست یافت.

مهم ترین نکته ای که کاربران باید مورد توجه قرار دهند، این است که انتشار آگهی در رسانه مجازی، وبسایت یا حتی نشریه معتبر به این معنی نیست که آگهی دهنده یا محتوای آگهی قابل اعتماد است. اتفاقاً مجرمان حرفه ای قربانیان خود را با استفاده از قابل اعتمادترین شیوه ها فریب می دهند. مسئله بعدی فریبنده بودن خود محتوای آگهی است. فرض کنید کالایی برای فروش به قیمتی پایین تر از عرف معمول آگهی شده یا برای استخدام، حقوق و مزایایی استثنایی اعلام شده است. اتفاقاً در مواجهه با چنین شرایطی باید بیشتر مراقب بود. در گذشته شاهد بودیم مؤسساتی با وعده کسب سودهای هنگفت و با تبلیغات گسترده در مطمئن ترین رسانه ها اموال بسیاری تحصیل کردند.

در نهایت لازم است افراد به ویژه جوانان در صورتی که تصمیم داشتند به فرد یا محلی که از طریق آگهی پیدا کرده اند مراجعه کنند، فردی خیره و مورد اعتماد آنان را همراهی کند تا از سوء استفاده های احتمالی در امان باشند.

گزارش هفته

## تشریح

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۵

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۸

## کاهش احساس امنیت با افزایش جرایم

یکی از فاکتورهای مهمی که مردم مورد توجه قرار می دهند،

افسر افشار نادری  
جامعه شناس

احساس امنیت است و وقتی میزان این احساس بالا باشد، مردم تصور می کنند که می توانند به هر چیزی اعتماد کنند، اما با وقوع چنین جرایمی، آن احساس خدشه دار شده و ضریب امنیت در جامعه کاهش پیدا کرده و مردم دیگر نمی توانند آن اعتماد سابق را داشته باشند.

در چنین شرایطی، افراد نیازمند به کار و درآمد، دیگر نمی توانند به این موضوع فکر کنند که چه کاری انجام دهیم. برای این که آن اعتماد از بین رفته است و با مشاهده هر تبلیغی به این فکر می کنند که ممکن است پشت این آگهی یک فریب یافرد خلافتار باشد. ضمن این که «یادگیری اجتماعی» نیز در بین مردم افزایش پیدا می کند. یعنی مردم متوجه می شوند نمی توانند از مسیر و شیوه درست خود درآمدزایی کنند و یکی از راه های دسترسی به درآمد و پول انجام کارهای خلاف است.

فقدان کنترل اجتماعی، افت ارزش های اخلاقی و انسانیت و همچنین کاهش یا حذف مجازات مناسب برای افراد خلافتار، پیام خوبی به جامعه و مردم مخابره نمی کند. در گذشته چون ارزش های اخلاقی و انسانی در سطوح بالا دیده می شد و ترس از عقوبت وجود داشت، اقدامات مجرمانه هم در این حد نبود، اما در حال حاضر فرد با خودش می گوید من که ازدواج نکرده ام و به این مسئله هم فکر نمی کند شاید خطایش عقوبت و پیامدهایی به همراه داشته باشد؛ به همین دلیل ممکن است دست به اقداماتی بزند که خلاف اخلاق و شئون اجتماعی است. این در حالی است که مسائل اجتماعی مثل یک زنجیر به هم مرتبط است.

در حال حاضر آمار ازدواج ها کاهش پیدا کرده و خانواده آن مفهوم و اعتبار سابق خود را از دست داده است. در کنار آن، ارزش های اخلاقی به شدت افت کرده است.

وقتی قانون حاکم نباشد و مجرمان را مورد عفو یا کاهش مجازات قرار دهد، دیگران نیز با علم به این که مجازاتی در انتظار آنها نخواهد بود، تشویق به انجام اعمال مجرمانه می شوند در واقع اجرای مجازات هاست که میزان جرایم را کاهش می دهد.

در حال حاضر مردم هیچ تعهدی در جامعه ندارند و میزان وابستگی اجتماعی آنان ناچیز است. اگر افراد شغل و دغدغه اجتماعی داشته باشند، دیگر فرصت این که سراغ اقدامات مجرمانه بروند، ندارند، اما اگر شغل و ایده ای برای انجام کار مفید نداشته باشند، طبیعی است که به سمت اقدامات مجرمانه گرایش پیدا می کنند.